

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و برزنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: رزا لوکزامبورگ
برگردان از سویدنی به فارسی- دری: نادر ثانی
فرستنده: مناف فلکی فر
۰۱ می ۲۰۱۴

بزرگداشت روز اول مه چگونه آغاز شد؟ (۱)



رزا لوکزامبورگ (۱)

اندیشه رهائیبخش به وجود آوردن یک روز بزرگداشت کارگری با هدف رسیدن به روز کاری هشت ساعته، نخستین بار در استرالیا به میان آورده شد. کارگران استرالیا در سال ۱۸۵۶ تصمیم گرفتند که روزی را با هدف رسیدن به روز کاری هشت ساعته سازماندهی کرده، در این روز محل کار خود را ترک کرده و روز را به گردهم آیی و برقراری جشن اختصاص دهند. تصمیم گرفته شد که روز ۲۱ اپریل چنین روزی باشد. در آغاز کارگران استرالیایی در این اندیشه بودند که اختصاص چنین روزی مختص به یک سال باشد. اما همان بزرگداشت نخستین چنان تأثیر عمیقی بر توده های کارگر استرالیا گذاشته و چنان پیامدهای مشوقانه و تبلیغاتی داشت که تصمیم گرفته شد چنین بزرگداشتی در سالهای بعد نیز تکرار شود.

و به راستی چه چیزی می توانست مانند دست از کار کشیدن داوطلبانه، شجاعت بیشتر و ایمان قویتر در میان توده های طبقه کارگر به وجود آورد؟ چه چیزی می توانست به این بردگان دائمی کارخانه و کارگاه شوق بالائی بیش از

فراخوانی نیروهای خودی ببخشند؟ از این رو چیزی نکشید که اندیشه یک روز بزرگداشت کارگری پذیرفته شده، از استرالیا به کشورهای دیگر رفته و سراسر دنیای کارگری را در بر گرفت.

اولین کارگرانی که شیوه کارگران استرالیا را به عمل آوردند کارگران ایالات متحده نی بودند. در سال ۱۸۸۶ روز اول ماه مه به عنوان روز دست از کار کشیدن کارگران اعلام شد. در آنروز ۲۰۰ هزار کارگر دست از کار کشیده و با شرکت در تظاهرات خواستار اعلام روز کاری هشت ساعته شدند. پس از این روز چوب لای چرخ گذاشتن حکومت ۳ مانع از آن شد که کارگران بتوانند، بار دیگر چنین مراسمی را برقرار نمایند. اما در سال ۱۸۸۸ کارگران بار دیگر تصمیم پیشین را گرفته و اعلام کردند که در روز اول ماه مه سال ۱۸۹۰ چنین بزرگداشتی را عملی خواهند نمود.

در خلال این مدت جنبش کارگری اروپا نیز تکامل یافته و هر چه پویاتر شده بود. این جنبش توانسته بود در کنگره بین المللی کارگری سال ۱۸۸۹ به نقطه اوج خود برسد. در این کنگره که ۴۰۰ نماینده کارگران را به گرد هم آورده بود تصمیم گرفته شد کنگره بین المللی کارگری پیش از هر چیز خواهان روز کاری هشت ساعته شود "Lavigne لاون"، یکی از نمایندگان سندیکای کارگری فرانسه از شهر "Bordeaux" پیشنهاد کرد که برای جان بخشیدن به این خواسته، روزی به عنوان روز تعطیل عمومی کارگری اعلام شود. از آنجا که در پی این پیشنهاد نمایندگان کارگران ایالات متحده نی بیان داشتند که رفقای آنان تصمیم گرفته اند که روز اول ماه مه را به عنوان چنین روزی اعلام دارند، کنگره تصمیم گرفت که این روز را به عنوان روز تعطیل عمومی کارگری اعلام نماید.

در واقع این بار نیز، مانند ۳۰ سال پیش از آن در استرالیا، خواست کارگران عملاً مختص به یک بار بود. تصمیم کنگره دایر بر آن بود که کارگران تمامی جهان روز اول ماه مه ۱۸۹۰ برای نمایش خواسته روز کاری هشت ساعته دست از کار کشیده و تظاهرات کنند و سخنی از آن نبود که این عمل در سالهای بعد نیز تکرار گردد. پیش بینی این که چنین فکری چه نتایج درخشنده ای خواهد داشت و چگونه به سرعت مقبول طبقه کارگر خواهد شد، غیرممکن بود. اما کافی بود که بزرگداشت روز اول ماه مه یک بار در سال ۱۸۹۰ به انجام درآید تا همه به این جمع بندی برسند که این بزرگداشت می باید سالانه و همیشگی گردد.

روز اول ماه مه بیانگر خواسته روز کاری هشت ساعته است اما کارگران پس از دستیابی به این خواسته نیز دست از بزرگداشت این روز نخواهند کشید. تا زمانی که مبارزه کارگران علیه سرمایه داری و دولتهای نماینده آن ادامه دارد، تا زمانی که خواسته هائی از کارگران باقی هستند که می باید به تحقق درآیند، بزرگداشت این روز بیانی سالانه برای این خواسته ها خواهد بود. اما حتی زمانی که دوران بهتری فرا رسد و طبقه کارگر در تمامی جهان به آزادی خود دست یافته باشد، حتی در آن زمان هم بدون شک بشریت به یاد نبردهای به انجام رسیده و زجرهای خلال آنها، به بزرگداشت روز اول ماه مه خواهد پرداخت.

یادداشت ها:

۱- یکی از برجسته ترین چهره های Rosa Luxemburg رُزا لوکزامبورگ تاریخ جنبش انقلابی کارگری جهانی می باشد. زندگی او سراسر مبارزه طولانی برای رهائی طبقه کارگر بود. او در ۵ مارچ ۱۸۷۱ در روستائی کوچک در بخش روسی لهستان تجزیه شده به دنیا آمد. تنها ۱۶ سال داشت که به حزب انقلابی "پرولتاریا" پیوست. خفقان شدید موجود آنگونه بود که رُزا ناچار شد لهستان را در سال ۱۸۸۹ ترک گفته و خود را به زوریخ در سوئیس که مکانی برای جمع لهستانی های تبعیدی شده بود، برساند. در اینجا در کنار فعالیتهای گسترده سیاسی در دانشگاه به تحصیل علوم طبیعی، ریاضیات و اقتصاد پرداخته و تبدیل به نویسنده همیشگی در ارگان حزبی شد. در سال ۱۸۹۸ به المان مهاجرت کرده و در پی ازدواجی مصلحتی تبعه المان گردید.

در تجزیه حزب سوسیال دمکرات المان یکی از ارکان مهم جناح انقلابی آن بود. در دوران جنگ جهانی اول در زمره افرادی بود که در مقابل جنگ موضع گرفته، به مبارزه با آن پرداخته، و از اینرو به زندان انداخته شد. پس از انقلاب روسیه در نومبر ۱۹۱۷ و پس از پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸ و آزادی از زندان در شمار افرادی قرار گرفت که به حمایت از بلشویکها برخاستند. دوران رادیکال شدن نیروهای موجود در المان بود و رُزا لوکزامبورگ به همراه کارل لیبکنخت Karl Liebknecht از چهره های سرشناس رادیکال چپ انقلابی بود. در ۱۵ جنوری ۱۹۱۹ به همراه کارل لیبکنخت دستگیر شده و به سان او پس از تحمل ضرب و جرح فراوان با شلیک گلوله ای در شقیقه اش کشته شد. قصابان جنازه او را در کانال آب انداختند و از اینرو جنازه اش تا ۳۱ ماه مه مفقود بود.

۲- این مقاله برای اولین بار در نشریه لهستانی زبان "اسپراوا رابورت نیژا" (زمینه کار) در فبروری ۱۸۹۴ در پاریس درج شد.

۳- اعتصابات برای دسترسی به روز کاری هشت ساعته حتی پس از اول ماه مه ۱۸۸۸، ادامه داشت. در برخی از شهرها به خصوص در شیکاگو کارگران در برخوردهای مستقیم با نیروهای پولیس قرار گرفتند. روز چهارم ماه مه کارگران شیکاگو تظاهراتی اعتراضی را سازمان دادند. در خلال این تظاهرات اخلاگران بمبی را به طرف یک گشتی پولیس پرتاب کردند. در هرج و مرجی که پس از آن به وجود آمد پولیس و چند تن از کارگران به سوی یک دیگر شلیک کردند که در نتیجه ۷ پولیس و دستکم ۴ کارگر کشته شدند. اندکی بعد به بهانه پرتاب بمب یادشده رهبران جنبش کارگری دستگیر شده و چهار تن از آنان، (Adolph Fischer آدولف فیشر، August Spies آگوست اسپایس، George Engel جورج انگل و Albert Parsons آلبرت پارسون) بدون این که کوچکترین مدرکی وجود داشته باشد که آنها در سامان دادن به پرتاب بمب نقشی داشته اند، به مرگ محکوم شده و در ۱۱ نومبر ۱۸۸۷ به دار کشیده شدند. هفت سال پس از اعدام آنها مقامات دولتی ایالات متحده اعلام داشتند که در این زمینه "خطائی حقوقی" صورت گرفته است!